



آیا امام زمان (عج) کتاب جدیدی با خود می آورد؟

هم «کتاب جدید» و هم «آیین جدید» طبق روایات، موضوع صحیحی است و نیز با استمداد از روایات معتبر روشن شد که «کتاب جدید» و «آیین جدید» جز قرآن کریم و اسلام و معارف ناب آن، چیز دیگری نیست.

هم «کتاب جدید» و هم «آیین جدید» طبق روایات، موضوع صحیحی است و نیز با استمداد از روایات معتبر روشن شد که «کتاب جدید» و «آیین جدید» جز قرآن کریم و اسلام و معارف ناب آن، چیز دیگری نیست. درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور آن حضرت، مسائل و سوال‌های مختلفی مطرح است، که ارزیابی و تحلیل آن‌ها، شخصیت نحوه قیام و تشکیل حکومت عدل جهانی آن بزرگوار را جلوه بیشتری می‌بخشد.

از جمله سوال‌ها این است که - که آیا آن حضرت، هنگام ظهور خویش، «کتاب جدید» و «آیین جدید» می‌آورد؟ خوشبختانه، این موضوع، در احادیث مطرح است و به کمک سایر احادیث، معنا و مفهوم و ابعاد آن نیز بیان شده است که در این مقال، به بررسی آن می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها: کتاب جدید، آیین جدید، انحرافات، بدعت، عدالت، دگرگونی.

«کتاب جدید» و «امر جدید»

درباره «کتاب جدید» و «امر جدید» روایاتی وارد شده است، که نمونه‌هایی از آن‌ها را مورد دقت قرار می‌دهیم:

1. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که درباره ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نشانه‌های آن فرمود: **والله لکانی انظر الیه بین الرکن و المقام، ینبایع الناس علی کتاب جدید، علی العرب شدید. ویل لطغاة العرب من شر قد اقترب!**

به خدا سوگند! مثل این است که به او می‌نگرم که بین «رکن» و «مقام» براساس کتاب جدید، با مردم بیعت می‌کند و این کار بر عرب سخت است. وای به حال طغیانگران عرب، از شر آنچه به زودی، بر آنان وارد می‌شود! (مجلسی، 1404: ج 52، ص 135؛ نیشابوری، بی تا: ج 4، ص 239).

2. همچنین، امام صادق علیه السلام فرمود: **اذا قام القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جاء بامر جدید، كما دعا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فی بدو الاسلام، الی امر جدید.**

آنگاه، که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می‌کند، آیین جدیدی می‌آورد؛ همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آغاز اسلام، به آیین جدیدی دعوت کرد (مفید، 1413: ص 364؛ مجلسی، همان: ج 52، ص 338).

3. امام صادق علیه السلام همچنین، درباره قیام و روش کار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

یقوم بامر جدید و کتاب جدید، و سنة جدیدة، و قضاء جدید علی العرب شدید... (مجلسی، همان: ج 52، ص 231).

آن حضرت «امر جدید» و کتاب جدید و سنت جدید و قضاوت جدیدی برپا می‌کند که (این کارها) بر عرب، سخت و نگران کننده خواهد بود، باید توجه داشت، که «امر» نوعاً به معنای امامت و زعامت و حکومت است؛ چنان که «اولی الامر» (نساء: 59) و «الامر» (آل عمران: 159) و «أمرهم شوری بینهم» (شوری: 38) در قرآن کریم، چنین مفهومی را بیان می‌دارد.

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: **فلما نهضت بالامر (صبحی صالح، 1387: ص 49، خ 3) ان أحق الناس بهذا الامر، أقواهم علیه و أعلمه بأمر الله فیهِ (همان: ص 247، خ 173).**

پس منظور، «امر امامت» است؛ در نتیجه «امر جدیدی» را که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح می‌کند، آیین جدیدی است که در پرتو «امر امامت و زعامت و حکومت آن حضرت» شکل می‌گیرد.

چرا دین جدید؟

پیامبر و الامقام صلی الله علیه و آله و سلم بر پایه بینش خویش، در هر فرصت مناسب هشدار داده و اعلام خطر می‌کرد و با ایراد خطابه در جمع، اعلام می‌نمود: ان احسن الحدیث کتاب الله، و خیر الهدی هدی محمد صلی الله علیه و آله و سلم و شر الامور محدثاتها، و کل محدثة بدعة، و کل بدعة ضلالة.

به راستی که بهترین سخن، کتاب خدا است و بهترین هدایت، هدایت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، و بدترین کارها، اعمال و گفتار خود ساخته و بی‌اساس می‌باشد، و هر پدیده خود ساخته بدعت است، و هر بدعتی هم گمراهی خواهد بود (مجلسی، همان: ج 74، ص 172؛ محدث قمی، 1416: ج 2، ص 52).

آری، آن حضرت، برای پدید آمدن بدعت در دین، آن قدر حساس و نگران بود که اعلام می‌کرد:

من أتى ذا بدعة فعظمه، فانما يسعى فى هدم الاسلام.

هر کس نزد بدعت گذاری رود و او را تعظیم و احترام کند، به راستی در نابودی اسلام کوشیده است (کلینی، 1363: ج 1، ص 54؛ حر عاملی، 1409: ج 11، ص 510).

همچنین، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که 23 سال، سختی‌ها و آوارگی‌های دردناک را در روزگار غربت اسلام به جان خریده بود، می‌فرمود: ان الاسلام بدأ غریباً، و سيعود غریباً...

به راستی که اسلام، با غربت (و کمی یاران) آغاز شد و به زودی هم به غربت باز خواهد گشت.

آن حضرت در پاسخ کسانی که پرسیدند: «غریبان آن روز چه کسانی هستند»، فرمود: «آنان که هنگام فساد و تباهی‌ها، در مقام اصلاح بر می‌آیند» (مجلسی، همان: ج 52، ص 336 و 7؛ متقی هندی، 1409: ج 1، ص 239).

امیرالمؤمنین علیه السلام پس از حمد خداوند متعال و تجلیل و تمجید از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با نگرانی فراوانی درباره انحرافات و بدعت‌های روزگار حاکمان بنی امیه و طبقات مختلف اجتماعی می‌فرماید:

مردم آن زمان، چون گریان، قدرتمداران درندگان، طبقه متوسط طعمه‌ها، فقیران و تهی‌دستان مردگانند. راستی و درستی از میان رفته و دروغ شایع می‌شود. دوستی و محبت، زبانی است و دشمنی‌ها در دل‌ها کمین کرده، فسق و فجور موجب نسب (شخصیت) و عفت و پاکدامنی (کم یاب و) سبب شگفتی می‌شود (صبحی صالح، همان: ص 154، خ 106).

و: اسلام، مثل پوستین وارونه که به تن پوشیده گردد (خشن و زشت می‌شود). (صبحی صالح، همان: ص 158، خ 108).

آری؛ به نظر امام علی علیه السلام کژی‌ها و انحرافات در مظاهر دین که بنی امیه پایه گذار آن‌ها بودند - چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز پیش بینی کرده بود (مجلسی، همان: ج 2، ص 109) چنان فزونی می‌یابد که با نگرانی اعلام می‌دارد: یأتی علی الناس زمان، لایبقی فیہ من القران الا رسمه، و من الاسلام الا اسمہ، و مساجدهم یومئذ عامرة من البناء، خراب من الهدی...؛

روزگاری بر مردم فرا می‌رسد که از قرآن، جز نشانه (نوشته ای) و از اسلام، جز نامی (گفتاری) چیزی به جای نمی‌ماند. مسجدهای آنان در آن روزگار، از لحاظ ساختمان؛ عمران و رونق دارد؛ ولی از نظر هدایت و سازندگی خراب و ناکار آمد است (صبحی صالح، همان: ص 540، ج 369).

با توجه به این جهات، هنگامی که امام مهدی علیه السلام برای نوسازی و بازسازی عقاید و رفتار مردم، براساس احکام ناب و خالص قران کریم و برقراری «عدالت واقعی و همه جانبه و فراگیر» ظهور می‌کند، مردم اسلامی را مشاهده می‌کنند که با آنچه تا آن زمان شنیده و دیده‌اند، بسیار متفاوت است و «آیین جدید» و اسلام ناب تلقی می‌شود؛ در صورتی که این گونه نیست که آن حضرت اسلامی جدید را بیاورد؛ زیرا آن امام بزرگوار، استمرار بخش و احیاگر آیین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و شیوه دعوت و عملکرد او در احادیث آمده است.

ویژگی‌های آیین جدید

آیین جدید - همانطور که خواندیم - همان آیین اسلام است که براساس قران کریم و سنت نورانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و دعوت و سیره استوار آن حضرت صورت می‌گیرد. در این باره، روایات متعددی وارد شده است که نمونه هایی از آن‌ها را ملاحظه می‌کنیم:

1. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: قائم، از فرزندان من است. نام او نام من، کنیه او کنیه من، قیافه او قیافه من، و روش او روش من است. او مردم را به پیروی از آیین من استوار می‌سازد. هر کس از او اطاعت کند، از من اطاعت کرده و هر کس او را نافرمانی کند، از من نافرمانی کرده است (حر عاملی، بی‌تا: ج3، ص482، ح190).

2. محمد بن مسلم می‌گوید: درباره سیره و روش قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از امام باقر علیه السلام پرسیدم. آن حضرت فرمود: «بسیره ما سار به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حتی یظهر الاسلام». قلت: «و ما کانت سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؟»

قال علیه السلام: «أبطل ما کانت فی الجاهلیه، و استقبل الناس بالعدل، و كذلك القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف اذا قام یبطل ما کان فی الهدنة مما کان فی أیدی الناس، و یتقبل بهم بالعدل».

«به همان روشی، که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عمل نمود، رفتار می‌کند؛ تا این که اسلام پیروز شود». گفتم: «روش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چگونه بود؟».

فرمود: «آنچه در روزگار جاهلیت وجود داشت، باطل کرد و مردم را به عدل فراخواند. همچنین، وقتی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، آنچه در روزگار صلح میان مردم رایج شده، باطل می‌کند و آنان را به عدل فرا می‌خواند» (مجلسی، همان: ج52، ص381؛ طوسی، 1390: ج6، ص169).

3. ابو بصیر می‌گوید: مردی به حضور امام باقر علیه السلام وارد شد و امتیازات اهل بیت علیهم السلام را بیان کرد و راه هدایت آنان را ستود. امام علیه السلام نیز سخنان او را تأیید کرد و ادامه داد: این راه مستقیم ما ادامه دارد، تا این که خداوند متعال، مردی از ما اهل بیت مبعوث نماید که به کتاب خدا عمل کند و منکر (و خلافی) را نمی‌بیند، مگر این که، آن را محو و نابود می‌کند (مجلسی، همان: ج52، ص378).

4. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره تجدید حیات اسلام، به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: و ان الثانی عشر من وُلدی، یغیب حتی لا یُری، و یأتی علی امتی زمنٌ لا یبقی من الاسلام الا اسمُه، و لا من القران الا رسمُه، فحینئذٍ یأذن الله تعالی بالخروج فیظهر الاسلام، و یجدد الدین...

دوازدهمین نفر از فرزندان من، از نظرها غایب می‌گردد؛ تا این که دیده نمی‌شود. زمانی بر امت من فرا خواهد رسید، که از اسلام جز نامی، و از قرآن جز نقش و نوشته ای باقی نمی‌ماند. آن هنگام، خداوند متعال به او اذن قیام می‌دهد و اسلام را پیروز می‌گرداند و تجدید حیات می‌بخشد (قندوزی حنفی، 1404: ج3، ص283؛ صافی گلپایگانی، 1419: ج1، ص169، ح242).

گرایش‌های قومی، ناآگاهی‌ها، هواهای نفسانی، دسیسه‌های مخالفان و بالاخره شرایط سخت سیاسی و اجتماعی، ممکن است بر آبخشور زلال دین، غبارها و خس‌هایی وارد کند و در رفتار گروه‌هایی، چهره زیبا و درخشان دین، به صورت نامناسب و وارونه جلوه کند؛ به طوری که وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن را عرضه کند، آیین جدیدی تلقی شود، اما به هر حال، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آیینی را که با غبار شویی و تحریف‌زدایی عرضه می‌دارد، همان آیین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. روایات زیر در این باره، حقیقت را بهتر روشن می‌گرداند:

1. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: و منهم مهدی هذه الامة، الذی یقوم بالدين فی آخر الزمان، كما قمت فی أوله.

از فرزندان من، مهدی این امت است که براساس معارف دین قیام می‌کند، همانطور که من، در آغاز آن قیام کردم (مجلسی، همان: ج36، ص231؛ صافی گلپایگانی، همان: ص152، ح221).

2. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که درباره روش آن حضرت فرمود: یصنع ما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یهدم ما کان قبله، كما هدم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم امر الجاهلیة، و یتألف الاسلام جدیداً.

آن حضرت، همان گونه رفتار می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتار کرد، وی افکار و اعمال ناصحیح قبل از قیام

خویش را ویران می‌سازد، همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امر جاهلیت را نابود کرد و بالاخره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آیین اسلام را بازسازی و نوسازی می‌کند (مجلسی، همان: ج 52، ص 353، ح 108).

3. امام علی علیه السلام درباره سیره و شیوه تحول آفرین حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: يعطف الهوى على الهدى، اذا عطفوا الهدى على الهوى، و يعطفُ الرأى على القرآن، اذا عطفوا القرآن على الرأى.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن گاه که قیام کند، هواهای نفسانی را به هدایت و راه صحیح بر می‌گرداند؛ در حالی که مردم هدایت و درستی را به هوس‌ها و هواهای نفسانی تبدیل کرده باشند. نیز رای‌ها و افکار را به قرآن بر می‌گرداند، آن گاه که افراد، قرآن را به رأی و تأویل تبدیل نموده باشند (ابن ابی الحدید، 1404: ج 9، ص 40، خ 138).

4. و بالاخره، امام باقر علیه السلام فرمود:

إذا قام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ضرب فساطیط، و یُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ، عَلٰی مَا أُنزِلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ...

آنگاه، که قائم آل محمد قیام کند، چادرهایی را برپا می‌کند، و قرآن را همان طور که خداوند متعال نازل کرده است (بدون تأویل و تفسیرهای ناروا) آموزش می‌دهد (مفید، همان: ص 365).

عدالت، امتیاز ویژه

بارزترین، امیدوارترین و آرمانی‌ترین ویژگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که همگان چشم به آن دوخته اند و این معنا در روایات متعددی نیز وارد شده، «اجرای عدالت» است. برای تبیین این ویژگی مهم و آرمان بزرگ، ناچار باید موضوعات زیر مورد توجه قرار دهیم:

1. شعار «عدالت» روزی نیست که بر زبان‌ها جاری نشود و مطبوعات و گویندگان، آن را مطرح نکنند و خواستار دست یابی بدان نباشند.

عدالت، به ویژه در مکاتب کمونیستی و سوسیالیستی شرق مطرح شده و آنان، بیش از هشتاد سال است که برای آن شعار می‌دهند.[1]

در بلوک غرب و مکاتب سرمایه داری آن، این عنوان، سالیان زیادی است فضا را پر کرده و حتی در نظام‌های سرمایه داری، در عین فاصله زیاد طبقاتی «هر کسی از ظن خود»، برای عدالت، مفهوم و منظوری را در نظر گرفته است (شیرازی، 1379: صص 19-23).

قبل از این‌ها نیز، در مذاهبی چون هندوئیسم، بودیسم تحت عناوین عدالت و بربری، این معنا را مورد توجه قرار داده‌اند.[2]

2. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر آیه ششم سوره الرحمن، فرموده است:

بالعدل قامت السموات و الارض (فیض کاشانی، 1416: ج 2، ص 368؛ کاشانی، 1347: ج 9، ص 118).

براساس عدل (نظام و قوام و جریان حرکت) آسمان‌ها و زمین برقرار است.

هر یک از عناصر عالم وجود، به واسطه عدل، از حد خود تجاوز نمی‌کنند و در جایگاه خویش به انجام وظیفه اشتغال دارند. جا به جایی و تجاوز هر یک، از «حدّ» و «مرز» و مدار خود، موجب بی‌نظمی در منظومه شمسی و نظام خلقت و اختلال در معیارهای حیات اجتماعی انسان‌ها می‌گردد (نوری همدانی، بی‌تا: ص 49).

امام علی علیه السلام هم، با این بیان، موضوع عدل و جایگاه آن در نظام هستی را مورد توجه قرار داده است:

العدل اساسٌ به قوامُ العالم.

یعنی عدل، اساس و بنیادی است که به وسیله آن، قوام و نظام عالم برقرار شود (مجلسی، همان: ج 75، ص 83).

3. در تبیین واژه «عدالت» از لحاظ روانی و فردی، شیخ انصاری می‌نویسد:

عدالت، کیفیت نفسانی است که موجب می‌شود انسان، ملازم و همراه تقوا باشد (و هرگز مرتکب گناه و نافرمانی خدا نشود)، اگرچه از آن با لفظ‌های: حالت، هیأت، کیفیت یا ملکه رسوخ یافته در نفس نیز تعبیر شده است (انصاری، 1414: ص 6).

همچنین، درباره معنای این واژه از لحاظ دینی؛ گفته شده است: عدالت در دین، عبارت است از اجتناب مطلق از گناهان کبیره و عدم اصرار بر گناهان صغیره (همان).

از نظر اجتماعی، کامل‌ترین و جامع‌ترین معنای عدالت، بیانی است که از امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است. آن حضرت در پاسخ به این پرسش که «آیا عدل برتر است یا جود؟» ضمن برتر دانستن عدل، دلیل آن را این‌گونه بیان می‌کند: العدل یضع الامور مواضعها....

عدل، هر چیز را جای خود قرار می‌دهد (صبحی صالح، همان: ص 553، ح 437).

براساس این بیان نورانی چنان که لغت شناسان نیز گفته اند: شخص عادل کسی است، که هر حقی را به صاحبش می‌رساند (طریحی، بی‌تا: ص 444).

– در قلمرو قدرت او، کار حقی به نالایقی واگذار نمی‌شود و به هیچ نالایقی حقی افزون بر توانایی او داده نمی‌شود و هر حق دهنده و حق گیرنده ای هم، با عنایت به رعایت «مفهوم وجدانی عدل» نه حقی را به نالایقی پرداخت می‌کند و نه هیچ نالایقی، به ناحق، حقی را می‌پذیرد. بالاخره، جامعه عدل، جامعه ای است که همگان در مقابل تلاش و نیاز خویش، به حق خود می‌رسند و هیچ صاحب حقی در ازای کار و متناسب با نیاز خویش، از حق خود محروم نمی‌ماند.

4. گاهی در برخی برداشت‌ها، میان «مساوات» و «عدالت» تداخل واقع می‌شود و ممکن است از این دو عنوان، معنای یکسانی تلقی گردد؛ در صورتی که باید توجه داشت مساوات، معنای محدودتری دارد و سرمایه کم تری می‌برد. قهراً زیان عدم رعایت آن هم متوجه خود شخص می‌شود یا اگر متوجه شخص دیگری گردد، آن زیان، شعاع وسیعی نخواهد داشت.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: من استوی یوماه، فهو مغبون.... ؛ هر کس دو روز او با هم مساوی باشد (و هر روز برای پیشرفت مادی و معنوی خویش قدمی به جلو نگذارد) زیان دیده است (محدث قمی، همان: ج 4، ص 893).

در روایتی می‌خوانیم: در حضور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مردی که دو فرزند خود را همراه داشت، فقط یکی از آنان را بوسید. آن حضرت فرمود: «فهلّا ساویتَ بینهما؟»

«چرا میان آن دو، مساوات را رعایت نکردی؟» (طبرسی، 1392: ص 220؛ صدوق، 1404: ج 3، ص 311).

بنابراین، در اجرای مساوات درباره کس یا کسانی که عمل نیکی صورت می‌گیرد، لیاقت و عدم لیاقت و صاحب حق بودن مطرح نیست. در مساوات، از سوی شخص نیکوکار، عمل نیکی صورت می‌گیرد و نوعاً به مقدار ظرفیت و نیاز افراد توجهی نمی‌شود، بلکه نفس عمل دارای ارزش و نتیجه مثبت می‌باشد؛ اما در «اجرای عدالت» حق و نیاز باید در نظر گرفته شود و تجاوز از حد لازم – همان طور که تجربه و عقل سلیم حکم می‌کند – انحراف و انفجار در پی خواهد داشت.

برای این که تفاوت عدالت و مساوات روشن‌تر شود و بهتر توجه داشته باشیم که عدالت به معنای مساوات مطلق نیست، بلکه در اجرای عدالت، قابلیت و استحقاق شرط می‌باشد، به دو مثالی، که در این باره آورده‌اند، توجه کنیم:

الف. اگر کسی بخواهد خانه ای بسازد و برای این کار، مهندس، بنا و کارگر بگیرد، اگر بخواهد مزد هر سه را به طور مساوی پرداخت کند، آیا به عدالت رفتار کرده است، معلوم است که باید حقوق هر یک با توجه به مراتب دانش و کارآیی تفاوت داشته باشد، تا عدالت تحقق یابد که در این صورت، مساوات رعایت نشده است.

ب. اگر کسی یک کبوتر و یک اسب داشته باشد و خوراک هر یک را یک اندازه قرار دهد، در این صورت، مساوات را رعایت نموده؛ ولی برخلاف عدالت رفتار کرده است؛ زیرا اگر کبوتر بتواند آن اندازه بخورد، از پرخوری می‌میرد؛ ولی اسب با خوردن آن خوراک، از گرسنگی هلاک می‌شود.

بنابراین، در این مثال «مساوات» رعایت شده، که نتیجه منفی و ظالمانه خواهد داشت، در حالی که عدالت اقتضای کند که خوراک آن دو طبق نیاز هر یک در نظر گرفته شود (شیرازی، 1354: ص 65).

5. با توجه به توضیحات فوق در ماده عدالت، مناسب است بیان زیبایی امام علی علیه السلام را در معرفی «شخص عادل» مورد توجه دقیق قرار دهیم:

مَنْ طابِقَ سِرِّهِ عَلَانِيَتِهِ، وَ وَافَقَ فِعْلُهُ مَقَالَتَهُ، فَهُوَ الَّذِي اَدَّى الْاِمَانَةَ وَ تَحَقَّقَتْ عَدَالَتُهُ.

هر کس باطن او با ظاهرش تطبیق داشته باشد، و رفتار او با گفتارش هماهنگ باشد، او کسی است که امانت را ادا کرده و عدالت او تحقق یافته است (آمدی، 1382: ص 748، ح 9323).

6. رعایت عدالت، به منظور توسعه و گسترش این ارزش متعالی اسلامی، به قدری ضروری است که باید در جزئی ترین امور اخلاقی و اجتماعی برای حفظ حقوق افراد، مورد توجه جدی قرار گیرد، در سیره عملی رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم: یک مرد انصاری برای پرسش سوالی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید. چند لحظه بعد هم یک مرد از «قبیله ثقیف» برای ملاقات با آن حضرت وارد شد و خواست موضوع کار خود را در میان بگذارد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا اخاتقیف! ان الانصاری قد سبقک بالمسأله، فاجلس کیمَا تَبْدئُ بحاجه الانصاری، قبل حاجتک.

ای برادر ثقیفی! این مرد انصاری پیش‌تر از تو برای ملاقات و سوال آمده است. اکنون اندکی بنشین تا نخست به کار او رسیدگی کنم و آن گاه که نوبت تو رسید، پاسخ گوی خواسته تو باشم (مجلسی، همان: ج 2، ص 64).

7. همان طور که اشاره کردیم، افراد و گروه‌های مختلفی در طول تاریخ تاکنون، «شعار عدالت» سر داده اند و حتی برخی در حوزه دین برای اجرای آن، اقدامات عملی صورت داده و ضمن ادعای بزرگ طلایه داری و اصلاحگری جامعه بشری براساس عدالت، گاهی به مظاهری از عدالت نیز دست یافته‌اند، اما این ادعاها و اقدامات صوری و تک بعدی که گروه‌ها، اصناف و اقوام مختلف ادعا یا اجرا کرده‌اند، عدالت واقعی و مورد نظر خداوند نبوده است.

گویا خداوند خواسته است بدین وسیله هر کس ادعایی دارد، به «میدان آزمون» وارد شود؛ تا استعدادها شکوفا گردد، زمینه‌ها فراهم شود و بستر لازم برای «عدل گستر» واقعی فراهم شود و با توجه به همه این جهات، «حجت بر همگان تمام شود». در نتیجه برای ظهور و قیام «صاحب امر» همگان با رها کردن همه اوهام و خیال‌ها و حتی معیارهای ناقص، بلکه با تن دادن به قوانین و سنن الهی، همه توان خویش را برای زمینه سازی، استقبال و پذیرش «عدالت گستر حقیقی» به کار گیرند.

امام صادق علیه السلام درباره یکی از شرایط ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید:

لا یكونُ هذا الامرُ حتّی لا یبقی صنفٌ من الناس الا ولّوا علی الناس، حتّی لا یقول قائلٌ: لو ولّینا لعدلنا، ثم یقوم القائمُ بالحق و العدل.

این قیام واقع نخواهد شد، تا این که هیچ صنفی (و گروهی) از مردم باقی نماند، مگر این که عهده دار ولایت و پیشوایی (برای اجرای عدل و اصلاح جامعه) گردد؛ تا آن که کسی نتواند بگوید: «اگر ما قدرت ولایت و زعامت جامعه را عهده‌دار می‌شدیم، حتما عدالت را اجرا می‌کردیم». پس از این مراحل است که حضرت قائم برای اقامه و اجرای حق و عدالت، قیام می‌کند (نعمانی، 1397: ص 53؛ مجلسی، همان: ج 52، ص 244).

8. عدالتی که در پرتو قیام و انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می‌یابد، چنان عمیق و فراگیر است که سراسر کره زمین و همه ابعاد زندگی انسان‌ها را غرق آرامش و صفای همه جانبه می‌کند.

در روایتی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با الفاظ و عبارات متعدد و طرق مختلف، درباره حتمیت قیام و خصوصیات آن وارد شده است می‌خوانیم:

لو لم یبق من الدنیا الا یومٌ، لطول الله ذلک الیوم، حتّی یبعث فیهِ رجلاً متّی (من اهل بیتی، اسمُه اسمی) یملاً الارضَ قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً.

اگر جز یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد، خداوند، آن روز را آن قدر طولانی می‌کند، تا در آن، مردی از اهل بیت من (که هم نام من است) مبعوث شود (قیام کند) سراسر زمین را از عدالت لبریز سازد، همان طور که از ظلم و تجاوزگری انباشته شده است (مجلسی، همان: ج 51، ص 156؛ قندوزی حنفی، همان: ج 3، ص 296، ح 6).

واژه‌های کلیدی این حدیث، دو عنوان بسیار عمیق و قابل تأمل است:

1. ارض، یعنی سراسر کره زمین و نه یک شهر و کشور و قاره.

2. انباشته شدن سراسر زمین از عدل، با واژه «یملا» که به معنای پر شدن ظرف از آب و سرازیر شدن آن از اطراف ظرف است. این دو واژه، فراگیری عدالت ناب و عمیق آن حضرت را بیان می‌کند.

اکنون، برای این که گستردگی و فراگیری آن عدالت را با مصادیق عینی‌تر در قلمرو اخلاق و حقوق اجتماعی مطرح کرده باشیم، دو حدیث زیر را مورد توجه قرار می‌دهیم:

الف. فضیل بن یسار می‌گوید، از امام باقر علیه السلام شنیدم، که می‌فرمود: وقتی قائم ما قیام کند، از ناحیه اشخاص نادان، با مشکلات و سختی‌های فراوانی مواجه خواهد شد که از مشکلات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در برخورد با مردم روزگار جاهلیت شدیدتر خواهد بود. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث شد، مردم سنگ‌ها و چوب‌هایی را که با دست خود تراشیده بودند، می‌پرستیدند.

اما قائم ما، وقتی قیام کند، مردم احکام دین خدا را بر ضد او تأویل و تفسیر می‌کنند و به وسیله قرآن، با آن حضرت، احتجاج و بحث‌های عصیانگرانه می‌نمایند... ولی به خدا سوگند! (قائم ما پیروز می‌شود و عدالت او چنان فراگیر و گسترده می‌گردد که هم چون حرارت گرما و برودت سرما، در داخل خانه‌ها هم نفوذ خواهد کرد (حر عاملی، بی‌تا: ج 3، ص 738، ح 111).

ب. درباره روابط و مناسبات اخلاقی و انسانی که نشأت گرفته از روح ایمان و عدالت واقعی در حکومت الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، برید عجلی می‌گوید:

در حضور امام باقر علیه السلام بودم که مردی از اهل کوفه خطاب به آن حضرت عرض کرد: «ای مولای من! یاران ما در کوفه جمعیت فراوانی را تشکیل می‌دهند که مطیع و تابع شما هستند. اگر به آنها دستور بدهی، (می‌توان بر ضد دشمن قیام کرد و پیروز شد)». آن حضرت فرمود: «آیا آنان به این مرحله از ایمان و اعتقاد رسیده‌اند که اگر کسی نیاز مادی داشت، سراغ جیب برادر مومن خویش برود و آنچه احتیاج داشت، بردارد؟»

آن مرد جواب داد: «نه، آنان جان خویش را بیش از این دوست می‌دارند...».

آن گاه امام باقر علیه السلام فرمود: آن گاه که قائم ما قیام کند، روزگار برادری و صداقت و رفاقت فرا می‌رسد (به گونه‌ای صفا و صمیمیت و یکرنگی به وجود می‌آید) که مرد با اعتماد و خاطر جمع به سراغ جیب برادر دینی خویش می‌رود، فقط آنچه احتیاج دارد بر می‌دارد و کسی مانع او نمی‌شود (مجلسی، همان: ج 52، ص 372 و ج 71، ص 232 و ج 75، ص 185).

به هر حال، عدالت گسترده در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بحثی دامنه دار و گسترده است. به منظور آشنایی بیشتر، مناسب است آخرین بحث این مقال را پی بگیریم که درباره نکات دیگر است که به بیان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سبب می‌شود از نظر مردم، آنچه امام غایب می‌آورد، آیین جدید تلقی می‌شود.

دگرگونی همه جانبه

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، که برای برقراری عدالت همه جانبه و فراگیر، در همه ابعاد زندگی اجتماعی ظهور می‌کند، تغییرات و تحولات زیادی در ساختار جامعه به وجود می‌آورد که از طرفی ممکن است برخی از آنها اکنون برای بعضی مورد تأمل باشد و از سوی دیگر ممکن است آن را آیین جدید تلقی کنند؛ اما به هر حال، همه آن‌ها آیین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و آن حضرت با انحراف‌زدایی در عقاید و اعمال مردم آن را عملی گرداند. برخی از این موارد از این قرارند:

1. امام صادق علیه السلام فرمود:

أول ما يظهر القائم من العدل، ان يُنادى مناديه: ان يُسلم صاحب النافلة لصاحب الفريضة، الحجر الأسود، و الطواف بالبيت.

اول چیزی را، که قائم از عدل خود نمایان می‌سازد آن است که سخن گوی او اعلام می‌کند «کسانی که طواف مستحبی انجام می‌دهند و استلام «حجرالاسود» می‌کنند، جای خود را به افرادی واگذار نمایند که طواف واجب دارند (کلینی، همان: ج4، ص427؛ صدوق، همان: ج2، ص311؛ حر عاملی، 1409: ج9، ص412).

2. امام باقر علیه السلام ضمن حدیث مفصلی که روش اصلاحی و انقلابی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان می‌کند، می‌فرماید:

آنگاه که قائم ما ظهور کند، به کوفه می‌آید و مسجدهای چهارگانه آن جا را خراب می‌کند. آن حضرت، راه‌های بزرگ (و اصلی) را توسعه می‌دهد؛ تا 40 ذراع (حدود 30 متر) شود. او هر مسجد را که در مسیر راه قرار گرفته است خراب می‌کند، و هر حفره ای و سوراخی که به راه باز است، می‌بندد و هر بیرون آمدگی (بالکنی) را که از ساختمان‌ها به کوچه تجاوز کرده است ویران می‌سازد، و چاله کثافات خانه‌ها و نادوان هایی را که بر کوچه و راه مردم اشراف دارد، برطرف می‌کند.

و او هیچ بدعتی را باقی نمی‌گذارد و زایل می‌کند، و هیچ سنتی باقی نمی‌ماند، مگر این که آن را احیا و استوار کند (مفید، همان: ص365؛ شیخ طوسی، همان: ص283؛ مجلسی، همان: ج51، ص333).

3. حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:

إذا قام قائمنا، قال: يا معشر القرسان! سيروا في وسط الطريق، يا معشر الرّجاله! سيروا على جنبى الطريق، فأئما فارس اخذ على جنبى الطريق، فأصاب رجلاً عيباً أزمناه الديه، و أئما رجل اخذ في وسط الطريق، فاصابه عيباً، فلا ديه له.

آن گاه، که قائم ما ظهور کند، دستور می‌دهد: «ای گروه سواران! از وسط حرکت کنید، و ای گروه پیادگان! از کنار و دو طرف راه حرکت کنید، زیرا هر سواری از کنار راه حرکت کند، و به پیاده ای آسیب رساند، او را به پرداخت «دیه» محکوم می‌کنیم، و هر پیاده ای که از وسط راه حرکت کند و به او آسیبی وارد شود، «دیه او» بر عهده کسی نیست؛ چون به سبب تخلف خویش، جان خود را در خطر و زیان دیدگی قرار داده است (شیخ طوسی، همان: ج10، ص368؛ حر عاملی، بی‌تا: ج3، ص81).

نتیجه

از آنچه در بالا مطالعه کردیم، به دست می‌آوریم که هم «کتاب جدید» و هم «آیین جدید» طبق روایات، موضوع صحیحی است و نیز با استمداد از روایات معتبر روشن شد که «کتاب جدید» و «آیین جدید» جز قرآن کریم و اسلام و معارف ناب آن، چیز دیگری نیست؛ ولی متأسفانه در طول زمان و به حسب شرایط نامساعد، آن قدر افکار و سلايق و رفتار و رسوم مغایر با معارف ناب اسلامی، از سوی ناآگاهان و غرض ورزان بر آن‌ها افزوده می‌شود که وقتی آگاهان و مؤمنان راستین نیز آن معارف نورانی و درخشان را مشاهده می‌کنند، آن را «کتاب جدید» و «آیین جدید» تلقی می‌نمایند.

پی نوشت ها:

[1]. ر.ک: الگانا تانونا، کروتووا، اخلاق و انسان، ترجمه: پرویز شهرپاری.

[2]. برای آگاهی بیشتر ر.ک: اخلاق در شش دین جهان، ترجمه، محمدحسین وقار، ص120، ص194، 316 و 386.

منابع و مأخذ

1. ابن بی‌الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، 1404ق.

2. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و دررالکلم، کلمات قصار امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، مؤسسه انتشاراتی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، 1382ش.

3. انصاری، شیخ مرتضی، الرسائل الفقهیه، المؤتمر العالمی بمناسبة الذكرى المئوية الثانية، لميلاد الشيخ الانصاری(ره)، اعداد: لجنة تحقيق تراث الشيخ الاعظم، 1414ق.

4. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
5. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، چ2، 1383ش.
6. شیرازی، سید حسن، الوعی الاسلامی، نجف، مکتبه الغری الحدیثه، 1379ش.
7. شیرازی، سیدصادق، طرح‌هایی از اقتصاد اسلامی، ترجمه احمد صادقی اردستانی، قم، انتشارات قرآن، 1354ش.
8. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، مکتبه المؤلّف، 1422ق.
9. صبحی صالح، نهج البلاغه، بیروت، 1387ش.
10. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، چ2، 1404ق.
11. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1392ق.
12. طریحی، محمد بن علی، مجمع البحرین، تهران، الثقافه الاسلامیه، بی‌تا.
13. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الغیبه، قم، موسسه معارف اسلامی، 1411.
14. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، مکتبه الصدوق، 1417ق.
15. عکبری، محمد بن نعمان (مفید)، ارشاد، قم، منشورات مکتبه بصیرتی، بی‌تا.
16. فیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، تهران، مکتبه الصدر، چ2، 1416ق.
17. قندوزی حنفی، سلیمان، ینابیع الموده، تهران، دارالاسوه للطباعه و النشر، 1422ق.
18. کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین، تصحیح حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیّه، چاپ4، 1347ش.
19. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ5، 1363ش.
20. الگانا تانونا، کروتووا، اخلاق و انسان، ترجمه پرویز شهریار، تهران، انتشارات فردوسی، چ2، 1360ش.
21. متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، 1409ق.
22. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404ق.
23. محدث قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی علیه السلام، 1416ق.
24. نعمانی، محمد، غیبت، تهران، مکتبه الصدوق، 1397ق.
25. نوری همدانی، حسین، دانش عصر فضا، انتشارات جهان، تهران، بی‌تا.
26. نیشابوری، محمدبن عبدا...، مستدرک حاکم، بی‌جا، بی‌تا.
27. ورنرمنسکی، یگی مورگان، النور نسبیت، کلابولاتون، ترور شاتون، معشوق ابن علی، اخلاق در شش دین جهان، ترجمه محمدحسین وقار، تهران، انتشارات اطلاعات، 1378ش.

منبع: ماهنامه انتظار موعود - شماره 30